

Analyzing the literary usage and cognitive semantics of the word "harth" in the verse "نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ" In the face of the suspicion of objectification of women

Seyedeh Jamileh Hashemnia*, Javad Irvani**

Ahad Faramarz Gharamaleki***, Hasan Kharaghani****

Abstract

The application of "harth" to women in verse 223 of Surah Al-Baqarah reveals the issue of objectification of women and instrumentalization of her for the interests of men; Because based on the appearance of the Qur'anic expression "نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ" addressed to men, "women are your fields". The idea that a woman is considered as a parasite of a man from the perspective of Islam is inconsistent with many evidences in the Qur'an and hadiths that believe in the high dignity of women and consider their piety as the only criterion of human superiority between men and women. This research, by describing and analyzing the data, while expressing the views of linguists and commentators, especially rhetoricians and literary commentators, investigated the cognitive semantics of the word "harth" and relying on its Quranic principles, which include the originality of Quranic interpretations, the principle of determinability of Quranic conceptualizations, the principle of categorization, the principle of radiality of

* PhD student in Quran & Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad (Corresponding Author), sj.hashemnia@gmail.com

** Ph.D. in Quran & Hadith Sciences, Professor of the Department of Quran & Hadith Sciences of Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Irvani_javad@yahoo.com

*** Ph.D. in Philosophy and Theology, Professor of the Department of Philosophy and Theology, University of Tehran, Ghmaleki@ut.ac.ir

**** Ph.D. in Quran & Hadith Sciences, Professor Associate of the Department of Quran & Hadith Sciences of Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, h.kharaghani@gmail.com

Date received: 2023/02/12, Date of acceptance: 2023/09/01



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

meaning. and the principle of conceptual integration, it has been concluded that the creation of the mentioned doubt is caused by a lack of knowledge about rhetorical points, especially the eloquent simile in the Qur'an, which can be defended not only by using ancient literary perspectives, but from the point of view of the modern knowledge of cognitive semantics, it can also be approved and appreciated in a favorable way; Because from this simile, prominent concepts such as the position and vital role of women in the survival and growth of the human race and the need for special attention of men to her are learned in a reasoned and methodical way.

Keywords: woman, harth, objectification of women, simile, cognitive semantics.

تحلیل کاربرد ادبی و معناشناسی شناختی واژه «حرث» در آیه «نساءکم حرث لکم...» در مواجهه با شبهه شیءانگاری زنان

سیده جمیله هاشم‌نیا*

جواد ایروانی**، احد فرامرز قراملکی***، حسن خرقانی****

چکیده

اطلاق «حرث» بر زنان در آیه ۲۲۳ سوره بقره، مسئله شیءانگاری زن و ابزارانگاری او برای منافع مرد را به میان آورده است؛ چراکه براساس ظاهر عبارت «نساءکم حرث لکم»، به مردان خطاب می‌شود، «زنان کشت‌زار شمايند». این برداشت که زن از منظر اسلام به نوعی طفیل مرد محسوب می‌شود با شواهد فراوان در قرآن و روایات که قائل به شأن و منزلت رفیع زن بوده و تنها ملاک برتری انسانی میان زن و مرد راتقوای ایشان دانسته، ناسازگار است. این پژوهش با توصیف و تحلیل داده‌ها، ضمن بیان دیدگاه لغویان و مفسران به‌ویژه علمای بلاغت و مفسران ادبی به بررسی معناشناسی شناختی واژه حرث پرداخته و با تکیه بر اصول قرآنی آن، که عبارتند از اصالت تعبیر قرآنی، اصل تعیین‌پذیری مفهوم‌سازی‌های قرآنی، اصل مقوله‌بندی، اصل شعاعیت معنا و اصل تلفیق مفهومی، به این نتیجه دست‌یافته که ایجاد شبهه مذکور،

* دانشجوی دکتری علوم قرآنی و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد (نویسنده مسئول)،
sj.hashemnia@gmail.com

** دکترای علوم قرآنی و حدیث، استاد گروه علوم قرآنی و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد،
Irvani_javad@yahoo.com

*** دکترای فلسفه و کلام اسلامی، استاد گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران،
Ghmaleki@ut.ac.ir

**** دکترای علوم قرآنی و حدیث، دانشیار گروه علوم قرآنی و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد،
h.kharaghani@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۰



ناشی از عدم شناخت کافی نسبت به نکات بلاغی به‌ویژه تشبیه بلیغ در قرآن است که نه تنها با استفاده از دیدگاه‌های ادبی قدمایی قابل دفاع است بلکه از منظر دانش نوین معناشناسی شناختی نیز به‌وجهی مطلوب تأیید و تحسین می‌شود؛ چراکه از این تشبیه مفاهیم برجسته و فاخری همچون جایگاه و نقش حیاتی زن در بقاء و رشد نسل بشر و ضرورت توجه ویژه مرد به وی، به‌شکلی مستدل و روشمند تحصیل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: زن، حرث، شی‌انگاری زن، تشبیه، معناشناسی شناختی.

۱. مقدمه

واژه «حرث» به شکل مصدر ۱۳ بار و مشتق، ۱ بار در ۱۱ آیه از قرآن به کار رفته است. این واژه در ۹ آیه با معنای حقیقی و در ۲ آیه دیگر به معنای غیرحقیقی آمده است؛ از جمله در آیه ۲۰ سوره شوری مراد از حرث در عبارات «حرث الآخرة» و «حرث الدنيا»، نتیجه اعمال انسان است که بنا بر خواستش در آخرت یا در دنیا به او داده می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۸، ۴۱). همچنین واژه حرث (کشت) که در مطلع آیه ۲۲۳ سوره بقره با عبارت «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ» آمده، به معنای حقیقی خود در مورد زنان به کار نرفته است و از این رو محل بحث در این تحقیق می‌باشد. با وجود فرض کاربرد تشبیهی این واژه در آیه ممکن است این انتقاد به ظاهر طرفدارانه نسبت به زنان را به دنبال داشته باشد که چرا در قرآن زنان به عنوان کشت‌زار مردان و به نوعی طفیل مردان و یا به شکل ابزاری برای منافع ایشان معرفی می‌شوند؟! همچنان که رویکرد فمینیستی این مسئله را مانند بسیاری از مسائل زنان از منظر تبعیض میان جنس زن و جنس مرد می‌نگرد و جایگاه زن را به گونه‌ای خدمت به خانه و بستر مردان می‌داند که این نوعی ابزارانگاری به شمار می‌آید (بنگرید به: بووار، ۱۳۷۹: ۲۹۱). به عقیده ایشان زن حتی زمانی که با آزادی ظاهری هم رفتار می‌کند، باز هم برده است و مرد ارباب او است (همان، ۳۴۱). به این معنا که آیه مورد بحث، رابطه جنسی را یک‌طرفه و به سود مرد می‌داند و زن را وسیله رضای مرد قرار داده است (ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۱: شماره ۲، ۱۱۸). یکی از مفسرانی که از این دیدگاه انتقادی پرده برداشته علامه فضل الله است که پس از طرح این نقد به بیان دیدگاه‌های خود در حل این مسئله پرداخته و آن را به شکل مبسوطی توضیح می‌دهد. (فضل الله، ۱۴۱۹: ج ۴، ۲۵۸-۲۶۰) همچنین برخی تفاسیر متأخر نیز به امکان برداشت سوء از این آیه اشاره کرده و توضیحاتی اجمالی را طبق نظر تفسیری خود در پاسخ بدان ارائه کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۱۴۱).

ظواهر برخی آیات قرآن به دلایلی از جمله تشابه (آیات متشابه) و یا وجود نکات بلاغی هم‌چون تشبیه، استعاره، ایجاز و... در آن موجب ایجاد شبهاتی گشته که گاه بدون سوگیری و صرفاً مسئله محور است و گاه مغرضانه و با هدف تخریب مبانی اسلام و قرآن مطرح می‌شود که آیه مذکور از این قبیل است. از طرفی پدیده شیء‌انگاری زنان، به عنوان یکی از مباحث روز روان‌شناسی، با شبهات طرح شده در این آیه مرتبط گشته است. این پدیده که آثار و عوامل آن نیز در غرب بسیار مورد مطالعه واقع شده (بنگرید به: calogero, 2011) بدان معناست که تصویر و نقاشی ذهنی زن از خودش و یا دیگران از او به مثابه یک شیء باشد که برای منفعت و لذت‌جویی (غالباً) مردان به کار می‌آید (بنگرید به: حسینی؛ هاشم‌نیا، ۱۳۹۸). خودشیء‌انگاری در زنان سبب سقوط شخصیت ایشان گشته و از دیدگاه اسلام نیز مذموم و ناپسند است؛ زیرا آیات و روایات متعدد حاکی از بزرگداشت مقام زن و عدم تبعیض شخصیت انسانی میان زن و مرد است و ملاک برتری میان این دو، چیزی به جز تقوی نیست. از این روی ضروری است آیه‌ای از قرآن که ظاهراً زنان را کشت‌زار و به نوعی شیء دارای منفعت برای مرد معرفی می‌کند مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته و ابعاد ادبی و تاریخی بحث فارغ از دیدگاه اعتقادی و جانبداری‌های آن در پاسخ به این شبهه روشن شود.

صرف‌نظر از مباحث اجمالی که برخی مفسران ذیل آیه مذکور آورده‌اند، با توجه به جست‌وجوهای انجام شده تاکنون تحقیقی در مورد معناشناسی واژه «حرث» و حل مسئله شیء‌انگاری زن با اطلاق این واژه به شیوه مذکور صورت نگرفته است. تنها مقاله‌ای با عنوان «دلالت‌های تشبیه زنان به حرث در آیه ۲۲۳ سوره بقره با رویکرد تحلیلی - انتقادی آرای نواندیشان معاصر درباره آن» (ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۱: شماره ۲) در این زمینه نگاشته شده که برای پاسخ به اشکال در مورد این آیه به دلالت‌های قرآنی، عقلی و نقلی توجه داده است. اما جستار حاضر به منظور رفع شبهه یادشده علاوه بر بیان رویکردهای تفسیری و بلاغی، با تحقیق علمی و تاریخی در ریشه لغوی واژه حرث و نیز معناشناسی شناختی آن، وجه کاربرد تشبیهی این واژه را در قرآن به طور مستدل و به شیوه‌ای نوین تبیین و به دفاع علمی از آن می‌پردازد.

۲. مفهوم‌شناسی «حرث»

در ابتدا به مفهوم واژه «حرث» در لغت، قرآن و نیز بحث وجوه و نظایر در علوم قرآنی پرداخته می‌شود.

۲-۱ «حرث» از دیدگاه لغت‌شناسان

«حرث» در اصل لغت به دو معنا آمده است: نخست: جمع و کسب و دوم لاغر شدن چیزی (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۲۰۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۲، ۴۹؛ جوهری، ۱۳۷۶: ج ۱، ۲۷۹). از همین رو، «إحراث» به معنی لاغر کردن اسبان (در اثر کارکشیدن از آنها)، «محرث» به معنی آهنی همچون بیل برای حرکت دادن آتش، «محرث الحرب» به معنی آنچه جنگ را به هیجان وامی دارد و «حرث» به معنی دانه بر زمین انداختن آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۲۰۵). چنان‌که حرث النار به معنای آن است که آتش را برمی‌انگیزم و احراث القرآن بدان معناست که قرآن را زیاد تلاوت کن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۲۲۶).

۲-۲ «حرث» در قرآن

واژه «حرث» در کاربردهای گوناگون قرآنی، عمدتاً به معنی «زراعت» آمده است (برای نمونه نک: بقره/ ۷۱، ۲۰۵، ۲۲۳؛ آل عمران/ ۱۴) که مآلاً به مفهوم نخست پیش‌گفته در لغت بازمی‌گردد. به علاوه راغب اصفهانی حرث را در آیه «نَسَاؤُكُمْ حَرْثُ لَكُمْ» بر سبیل تشبیه دانسته است؛ زیرا به وسیله زنان آنچه در آن بقاء نوع انسان است، کشت می‌شود همچنان‌که به وسیله زمین آنچه سبب بقاء اشخاص ایشان است کاشته می‌شود؛ نیز الحرث را به معنای پاشیدن بذر بر روی زمین و آماده کردن آن برای کشت می‌داند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۲۲۶).

با این حال، نکته‌ای در این خصوص شایسته ذکر است: یکی از نظریات و روش‌های رایج در میان زبان‌شناسان و معناشناسان، کشف نوعی معنای مرکزی یا هسته معنایی است که در حقیقت همان وجه و خمیرمایه مشترک و ریشه آن در معانی مشتقات یک واژه است که از آنها استخراج می‌شود. معناشناسانی چون رُش، مرویس، گری و همکارانشان به طرح پیش‌نمونه‌ها (prototypes) پرداخته و مفهوم واژه‌ها را در مقوله‌ها و سطوح مختلفی طبقه‌بندی کرده‌اند. مثلاً مفهوم «پرنده» مقوله‌ای را تشکیل می‌دهد که دارای اعضای مختلفی است ولی از میان این اعضا، برای مثال گنجشک یا کبوتر نسبت به پنگوئن یا شترمرغ به پیش‌نمونه پرنده نزدیک‌ترند (صفوی، ۱۳۹۵: ۷۴). در این روش لغت‌شناسان با استفاده از صفات شاخص یک مفهوم با عنوان پیش‌نمونه، نمونه‌های دارای ویژگی یا ویژگی‌های مشترک با آن مفهوم را در یک شبکه معنایی مرتبط شناسایی می‌کنند. نکته قابل تأمل این است که استفاده از روش‌ها و

نظریات زبان‌شناسی و معنی‌شناسی حتی برای درک عمیق مفاهیم قرآنی می‌تواند بسیار راهگشا و سازنده باشد. جالب آنکه حتی روان‌شناسان و فلاسفه به هنگام تبیین دلالت مفهومی، از جهان خارج از زبان خلاصی نمی‌یابند (همان، ۷۶). مصطفوی نیز در تألیف «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم» به شیوه مشابه تمسک بسته و پس از اینکه معانی مختلفی را برای واژگان قرآنی به نقل از کتب، قاموس‌ها و لغت‌نامه‌های متعدد ذکر می‌کند در جمع‌بندی به ارائه نظر خود با عبارت «أن الأصل الواحد فی المادّة» ذیل عنوان «و التحقیق» پرداخته و وجه مشترکی را از میان تمامی معانی پیشنهاد شده استخراج و ضبط می‌کند. بدین ترتیب وی ذیل معنای «حرث» چنین آورده است: «أن الأصل الواحد فی هذه المادّة: هو بلوغ المحصول من الزرع و تحصيل نتیجة منه، و هذا المعنى إنما يتحقق بعد الزرع و قبل الحصاد، و فی هذا المقام ظهور ما زرع و اخضراره و تجلیه (مصطفوی، ۱۴۳۰: ج ۲، ۲۱۸). همچنین ابن جنی از دانشمندان متقدم برجسته علم نحو (متوفی ۳۹۲ق) در «الخصائص» نظیر این سبک عمل کرده و به عنوان مثال در بحث اشتقاق اکبر مدعی شده که با قلب کلمات سه حرفی می‌توان شش کلمه جدید ساخت که دارای معنای مرکزی و مشترک هستند (ابن جنی، ۱۴۲۹: ج ۲، ۱۳۶). با بهره‌گیری از این روش می‌توان نسبت به دلیل و سبب کاربرد واژه‌ای در آیات قرآن به شناخت بهتری دست یافت. با توجه به معانی مختلفی که برای مفهوم «حرث» و مشتقات آن در یک شبکه معنایی در کتب لغت متعدد ذکر شده، (از قبیل کسب و جمع مال، برانگیختن جنگ یا آتش، زیاد تلاوت کردن قرآن، زیاد سفرکردن با شتر و لاغر کردن آن، آهنی همچون بیل برای حرکت دادن آتش، پاشیدن بذر بر روی زمین و آماده کردن آن برای کشت) می‌توان یک صفت شاخص یا مفهوم مشترک یا معنای مرکزی یا هسته معنایی در تمام این معانی یافت که آن عبارت است از «رشد و نمو» که در آن، مفاهیم ایجاد، ازدیاد، حرکت و جریان نهفته است. از این ریشه و هسته معنایی مشترک می‌توان به نتایجی در مورد وجه کاربرد واژه «حرث» در آیه مذکور دست یافت. مهمترین وجه آن می‌تواند چنین بیان شود که همانگونه که حرث و کشت‌زار سبب رشد و نمو گیاهان است، زن نیز سبب ایجاد، رشد و تداوم حیات نسل بشر است.

۲-۳ «حرث» در مبحث وجوه و نظایر

یکی از مباحث علوم قرآنی، مبحث وجوه و نظایر است. وجوه همان لفظ مشترک است که در معانی متعدد استعمال می‌شود، مانند لفظ «أمه» که در معانی متعددی استعمال شده است، و

نظائر الفاظ قریب المعنی و شبه مترادف هستند (سیوطی، ۱۳۹۲: ۶۱). دامغانی (متوفی ۴۷۸ق) که از مؤلفان و اعلام برجسته متقدم و مرجع در شاخهٔ وجوه و نظایر شمرده می‌شود و اثر مشهور و جامع خود را با تأمل در آثار پیشینیان و رفع نقایص ایشان نگاشته و آن مصدری برای برخی کتب لغوی مرجع دیگر همچون تاج العروس، به نقل از مؤلف آن، قرار گرفته (زبیدی، ۱۲۰۵: ج ۱، ۵-۷)، در کتاب وجوه و نظایر خود برای واژهٔ حرث، سه وجه را ذکر کرده که عبارت است از: ۱- حرث (زراعت یا کشت‌زار)؛ (بقره/۷۱ و ۲۰۵؛ انبیاء/۷۸؛ آل‌عمران/۱۴ و ۱۱۷؛ انعام/۱۳۶ و ۱۳۸؛ واقعه/۶۳؛ قلم/۲۲) ۲- ثواب (نتیجه، پاداش)؛ (شوری/۲۰) ۳- فروج النساء؛ (بقره/۲۲۳) (دامغانی، بی‌تا: ۱۶۵-۱۶۶). وجه اخیر همان وجهی است که برای معنی آیهٔ مورد بحث (نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ) ذکر شده است. این وجوه در واقع مفاهیمی هستند که «حرث» در آیات قرآن بدان منظورها به کار رفته است. طبق وجه نخست حرث به معنی کشت‌زار در نه آیه به کار رفته که معادل معنای لغوی آن است، مانند آیهٔ شریفه «قَالَ إِنَّهُ يُقُولُ إِنَّهَا بَقْرَةٌ لَا ذُلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلِّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا...» (بقره/۷۱). حرث در وجه دوم، که به معنای نتیجه و پاداش ذکر شده، به واقع کاربرد استعاره‌ای این واژه است که تنها در یک آیه اما سه بار تکرار می‌شود: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ» (شوری/۲۰)؛ در این آیه کلمه «حرث» به معنای زراعت و کشت‌زار است، و مراد از آن نتیجهٔ اعمالی است که در آخرت به انسان داده می‌شود، و به عنوان استعاره آن را زراعت آخرت نامیده، گویا اعمال صالح بذریه‌ای است (که می‌کارند) و کشت‌زار آن در آخرت نتیجه می‌دهد. کسی که تنها نتایج دنیا را می‌خواهد نه آخرت را و برای به دست آوردن آن تلاش می‌کند، ما آن نتیجهٔ دنیایی را به او می‌دهیم، و دیگر در آخرت بهره‌ای ندارد. و اگر این معنا را به اراده حرث تعبیر کرده اشاره به این است که تنها اراده در بدست آوردن نتایج دنیا و آخرت کافی نیست بلکه عمل هم می‌خواهد، هم چنان که در جای دیگر نیز فرموده: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم/۳۹) (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱، ۴۱). سومین وجه از باب تشبیه است که دو بار در آیهٔ ۲۲۳ سوره بقره تکرار شده است و مطالب مربوط به آن در مبحث تفسیری خواهد آمد. سه وجه مذکور برای واژه «حرث» در منابع متعدد وجوه و نظایر نیز به همین صورت بیان شده است (بنگرید به الوجوه و النظائر فی القرآن الکریم، هارون بن موسی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۳۱؛ وجوه القرآن، عرشی و حیری نیسابوری، بی‌تا، ص ۱۰۹؛ نزهة الاعین النواظر فی علم الوجوه و النظائر، ابن جوزی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۳۷؛ الوجوه و النظائر فی القرآن العظیم،

مقاتل بن سلیمان بلخی، بی تا، ص ۱۴۸). گرچه در منابع فوق، گویی به دلیل عدم رسالت این بحث، نظراتی از باب تفاوت، شباهت و یا ارتباط معنایی میان وجوه مذکور دیده نشد اما به وضوح می توان چنین یافت که بین وجه اول (کشتزار) و سوم (فروج النساء) ارتباط مشابهت برقرار است و وجه شبه، محل کشت و باروری آن دو است؛ نیز میان این دو وجه، که نقطه اشتراک و وجه شبه شان ذکر شد، با وجه دوم (نتیجه، پاداش) می توان ارتباط دیگری از نوع سبب و مسبب یا علت و معلول برقرار کرد که بین زراعت و محصول وجود دارد؛ چراکه هر محصولی، نتیجه و معلول نوعی کشت در محل مناسب آن است. لذا همانگونه که تبیین گردید بر اساس تحلیل معنایی واژه و ارتباط وجوه آن با یکدیگر، تمام وجوه مذکور برای واژه حرث در قرآن دارای ارتباط معنادار و همسو با یکدیگرند.

۳. معنا و کاربرد واژه «حَرْث» در آیه «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ...» از دیدگاه مفسران

در این بخش دیدگاه مفسران به ویژه تفاسیر اجتهادی، ادبی و بلاغی از قرن چهارم تا پانزدهم مورد بازبینی و شرح قرار می گیرد. این دیدگاه‌ها را می توان در چند دسته قرار داد:

یک. سببیت زنان در حرث: طبری حرث را مزرعه‌ای معرفی می کند که در آن کشت می شود و از آنجا که زنان از اسباب حرث هستند در قرآن از ایشان به حرث تعبیر شده است (طبری، ۱۴۱۲: ج ۲/ ۲۳۷). مقاتل بن سلیمان نیز با عبارت کوتاه «مزرعه للولد» و شیخ طوسی با یادکرد دو قول: «مزرع اولادکم» و «ذو حرث لکم» به همین معنا اشاره دارند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ج ۱، ص ۱۹۲؛ طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۲۲۲). همچنین، گویا به همین جهت ثعالبی معتقد است کاربرد لفظ حرث در این آیه حاکی از آن است که جماع تنها در فرج زن مباح است زیرا همانجا محل زرع است (ثعالبی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۴۴۹).

دو. حمل بر مجاز: فخر رازی اطلاق اسم حرث بر ذات زن را ممتنع دانسته و از این رو تعبیر حرث برای زنان در قرآن را حمل بر مجاز و از باب تسمیه کل شیء به اسم جزئش می داند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۶/ ۴۲۳). از آنجا که منظور از کشتزار، رحم زن بوده و رحم نیز جزئی از بدن زن است، این مجاز را می توان از باب تسمیه کل به اسم جزئش تلقی کرد.

سه. حمل بر تشبیه: زمخشری و بیضاوی مقصود از حرث را مواضع حرث بیان کرده و کاربرد آن را در آیه مذکور از باب تشبیه به خاطر شباهت نطفه در رحم مانند بذر در

کشت زار دانسته‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۱/۲۶۶؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ج ۱/۱۴۰). مظهری نیز با بیضاوی و ثعالبی هم عقیده است (مظهری، ۱۴۱۲: ج ۱/۲۸۰) و فخر رازی نیز بر «تشبیه» بودن آن تصریح دارد (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۶، ص ۴۲۱. نیز: قاسمی، ۱۴۱۸: ج ۲، ص ۱۲۰). علامه فضل الله در تفسیر اجتماعی و اجتهادی خود با شرح مبسوطی به این مطلب پرداخته است. او معتقد است وجه شبه ناگزیر است از اینکه در مشبه (زنان) و مشبه به (حرث) در اسلوب استعاره لحاظ شده باشد و این امر جز در مکان طبیعی به دست نمی‌آید، زیرا محل نطفه است، همچنان که زمین محل بذر است که حکایت از آمادگی خاصی به دور از هدف شخصی مردان دارد. او معتقد است موضوع در مقایسه زن با زمینی که بذر می‌گیرد تصور می‌شود تا تمام عناصر زنده خود را در یک تعامل زنده به او بدهد. بنابراین دانه‌ها به موجودی سرشار از زندگی و رشد پویا تبدیل می‌شوند که در زمین رشد می‌کنند و درختی می‌شوند که میوه‌های لذیذ تولید می‌کند و نطفه نیز در زن حرکت می‌کند تا به یک انسان عادی و سرشار از نشاط و تحرک تبدیل شود. انسان حاصل از رشد بذری نیست که مرد در شکم زن می‌گذارد، بلکه زاده مخلوط نطفه مرد و تخمک زن است. بنابراین فرآیند حرث یک امر انفعالی نبوده بلکه فرآیندی تعاملی بین زن و مرد است که لغت «حرث» بیانگر این ترکیب پیچیده از عنصر زندگی آنها است. شاید لازم بود این واژه به جای مفاهیم منفی در شکل و تصویر، در مفاهیم مثبت آن در محتوا و معنا مطالعه شود (فضل الله، ۱۴۱۹: ج ۴/۲۵۶-۲۵۸). در تفسیر نمونه نیز همراستا با بیان علامه فضل الله چنین آمده است: «در اینجا زنان تشبیه به مزرعه شده‌اند، و این تشبیه ممکن است برای بعضی سنگین آید که چرا اسلام درباره نیمی از نوع بشر چنین تعبیری کرده است در حالی که نکته باریکی در این تشبیه نهفته شده، در حقیقت قرآن می‌خواهد ضرورت وجود زن را در اجتماع انسانی نشان دهد که زن وسیله اطفاء شهوت و هوسرانی مردان نیست، بلکه وسیله‌ای است برای حفظ حیات نوع بشر، این سخن در برابر آنها که نسبت به جنس زن همچون یک بازیچه یا وسیله هوسبازی می‌نگرند، هشدار محسوب می‌شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۱۴۱). مشابه این سخن را- بدون اشاره به شبهه- علامه طباطبایی نیز به نحو اجمال آورده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۲، ۲۱۳). بلاغی و ابن عاشور نیز حرث را از باب تشبیه در این آیه ذکر کرده‌اند. اما ابن عاشور می‌افزاید تشبیه نساء به حرث تشبیه لطیفی است چنانکه ابوطالب هنگام خواستگاری از خدیجه (س) برای پیامبر (ص) فرمود: «الحمد لله الذي جعلنا من ذرية ابراهيم و زرع اسماعيل» (بلاغی، ۱۴۲۰: ج ۱/۲۰۱؛ ابن عاشور، بی تا: ج ۲/۳۵۳). در اعراب القرآن و بیانیه از تشبیه نساء

تحلیل کاربرد ادبی و معناشناسی شناختی واژه ... (سیده جمیله هاشم‌نیا و دیگران) ۱۵۱

به حرث، به تشبیه بلیغ تعبیر شده و وجه شبهه در هر دو (نطفه در رحم و بذر در زمین) ماده‌ای است که از آن حاصل می‌شود. همچنین آن را کنایه از موضع واحد حرث دانسته که از هر جهتی می‌توان بدان وارد شد (درویش، ۱۴۱۵: ج ۱، ۳۳۳).

۳-۱ تحلیل دیدگاه مفسران در معنا و کاربرد واژه «حرث»

اگر از زاویه تطور تاریخی به تفسیر واژه حرث در آیه مورد نظر نگریسته شود این نکته قابل برداشت است که بحث و عنوان تشبیه در قرون ابتدایی مطرح نبوده است. از این رو، مقاتل بن سلیمان (متوفی ۱۵۰ق) و طبری (متوفی ۳۱۰ق) عنوان تشبیه را بیان نکرده و بدان اشاره‌ای نداشته است. این در حالی است که از قرن پنجم و از تفسیر تیان شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ق) که به صورت «قیل» مطرح کرده است تا به اکنون بحث مجاز و تشبیه با توصیفات بیش و کم بلاغی آن در غالب تفاسیر به چشم می‌خورد. اما روشن است صرف بیان تشبیه و وجه شبهه بین نساء و حرث در تفسیر این آیه و عبارت، شبهه وارد شده بر آن را توجیه نخواهد کرد؛ گرچه مفسران معدودی همچون علامه فضل الله و آیت الله مکارم شیرازی توضیحاتی مفید اما بدون استدلال و اثبات علمی نسبی را ذکر کرده‌اند.

۴. وجه کاربرد واژه «حرث» در آیه مذکور از منظر علم بلاغت

همان‌گونه که بیان گردید قرائت غالب تفسیری از گزاره «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ» کاربرد واژه حرث بر سیل تشبیه است. در فن بیان، تشبیه در قالب جمله‌ای مطرح می‌شود که جمله تشبیهی نامیده شده و دارای چهار جزء است: مشبه، مشبه به، وجه شبهه و ادات تشبیه. زمانی که هر چهار جزء در جمله تشبیهی به کار رفته باشد آن را تشبیه مفصل می‌نامند. با حذف وجه شبهه، تشبیه مجمل و با حذف ادات تشبیه و وجه شبهه، به تشبیه بلیغ می‌رسیم. اما در استعاره، مشبه نیز حذف می‌شود و تنها مشبه به باقی می‌ماند (صفوی، ۱۳۹۵: ۲۶۳ و ۲۶۴؛ خرقانی، ۱۴۰۱: ۵۲ و ۵۳). بر این اساس در گزاره «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ» تشبیه بلیغ به کار رفته است. بالاترین مرتبه تشبیه در شدت مبالغه به اعتبار ذکر یا حذف برخی ارکان آن عبارت است از: ۱- حذف وجه شبهه و ادات تشبیه مانند «زیدٌ اسدٌ»؛ ۲- حذف وجه شبهه و ادات تشبیه و نیز مشبه مانند «اسدٌ» (شیرازی، ۱۳۹۴: ۲۲۳-۲۲۴). برخی نیز تشبیه را به اعتبار اداتش به مرسل و مؤکد تقسیم می‌کنند. در تشبیه مرسل، ادات تشبیه ذکر می‌شود اما در

تشبیه مؤکد ذکر نمی‌شود. تشبیه مؤکد، موجزتر و بلیغ‌تر است و بیشترین تأثیر را بر فرد می‌گذارد (هاشمی، ۱۳۹۷: ۱۸۵). لذا گرچه بحث مستقلی در مورد این واژه در منابع بلاغی دیده نشد اما بر اساس قواعد رایج مذکور در علم بلاغت و تطبیق آن با آیه مذکور، ذکر حرث بدون وجه شبه و ادات تشبیه در این آیه، حاکی از تأکید و مبالغه در تشبیه است. تشبیه که طبق نظر ادیبان، یکی از ابزارهای تصویرگری به شمار می‌رود، از نیروی خیال کمک می‌گیرد و با استفاده از آن اندیشه‌ای را باز می‌نماید (لاشین، ۲۰۰۳: ۱۰۶-۱۱۱). حال اگر چنین تشبیهی به صورت بلیغ و مؤکد به کار رود بی‌تردید تصویرگری ذهنی آن به شکل قوی‌تری عمل خواهد کرد و به تبع اثر مطلوب متکلم در ذهن مخاطب پررنگ‌تر خواهد شد؛ لذا تشبیه زن به حرث که بر اساس شواهد لغوی و تفسیری بیان شده، اجمالاً گویای نقش حیاتی زن در بقاء و ازدیاد نسل بشر است با بکارگیری چنین شیوه ادبی و بلاغی، برجسته‌تر شده و با تصویرگری ذهنی قوی‌تر، اثرگذاری بیشتری را به دنبال خواهد داشت. از این رو بر اساس دیدگاه بلاغی نیز می‌توان چنین استدلال کرد که بکارگیری تشبیه «نساء» به «حرث» در آیه مذکور بسیار بلیغ و ممدوح است؛ چراکه با استفاده از تشبیه بلیغ و مؤکد موجب تصویرگری قوی در ذهن مخاطب شده و پیرو آن جایگاه ویژه و ستودنی زن در بقاء نسل بشر را، آنگونه که حقیقت دارد، مجسم و مستحکم می‌سازد.

۵. بررسی معناشناسی شناختی واژه «حرث» در آیه «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ...»

علاوه بر روش‌های متقدم، همچون تبیین لغوی، بلاغی و تفسیری، در وجه کاربرد واژه «حرث» در آیه مذکور می‌توان به روش‌های متأخر و نوین، مانند معناشناسی شناختی، رجوع کرده و از این دیدگاه نیز آن را بررسی و مطالعه کرد.

۵-۱ مبانی معناشناسی شناختی قرآن

علوم شناختی (Cognitive sciences) به مطالعه علمی و بین رشته‌ای ذهن و فرآیندهای آن با ورودی‌هایی مانند زبان‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه و ... می‌پردازد. لیکاف و جانسون در توضیح اصطلاح «شناختی» گفته‌اند که این اصطلاح دو معنای مختلف دارد که گاهی عدم تفکیک آنها خلط‌هایی را نیز پیش می‌آورد. آن دو معنا عبارتند از: فعالیت‌های ذهنی، ساختار مفهومی و گزاره‌ای. این اصطلاح در علوم شناختی در مورد هر نوع فعالیت یا

ساختار ذهنی به کار می‌رود که می‌توانیم آن را به صورت دقیقی بررسی کنیم. بسیاری از این فعالیت‌ها، مانند پردازش تصاویر و مسموعات، به صورت ناخودآگاه صورت می‌گیرند (قائم‌نیا، ۱۳۹۰: ۴۷) معناشناسی شناختی (Cognitive semantics) متأخرترین و هم‌زمان مطرح‌ترین دیدگاه در میان نظریه‌های معناشناسی معاصر است که طی چهار دهه گذشته نشوونما یافته و ذهن اندیشمندان گوناگونی را به خود معطوف کرده است (سعیدی روشن، بهار ۱۳۹۶: ۶۳). در «معناشناسی شناختی قرآن» به معناشناسی قرآن، رویکردی اتخاذ شده است که از دستاوردهای زبان‌شناسی شناختی کمک می‌گیرد و نظریه پردازان آن تلاش کرده‌اند تا اصول معناشناختی را برای تفسیر قرآن با توجه به معناشناسی شناختی به دست آورند (بنگرید به قائم‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۹). با وجود اینکه کاربرد این نظریه، به دلیل ویژگی بارز تجربه‌گرایی آن، در مورد قرآن منتقدانی هم دارد که معناشناسی شناختی را برای تفسیر قرآن با مفاهیم والایش ناقص دانسته‌اند، (بنگرید به سعیدی روشن، بهار ۱۳۹۶، ش ۱) اما به نظر می‌رسد این انتقاد ناشی از عدم درک صحیح از هدف بکارگیری این نظریه در قرآن است. زیرا گرچه قرآن کریم از مفاهیم والایی برخوردار بوده که تاکنون به طور کامل در چهارچوب قواعد زبان‌شناسی قابل تبیین نبوده اما همانگونه که یکی از موارد اعجاز قرآن، اعجاز بیانی آن است که با قواعد بلاغی، صرفی و نحوی قابل توضیح است، می‌توان معنی واژگان، عبارات و نیز بلاغت آن را تا حدود زیادی با نظریات رایج و منطقی زبان‌شناسی تبیین کرد.

متون از تجلیات مهم زبان هستند و بی تردید، می‌توانیم نتایج معناشناسی را در تحلیل آنها به کار بگیریم، بلکه می‌بینیم که زبان‌شناسان نیز در عمل آن را در تحلیل متون به کار گرفته‌اند. معناشناسی شناختی نیز از این نکته مستثنا نیست و زبان‌شناسان مباحث زیادی در زمینه معناشناسی متون مطرح کرده‌اند (قائم‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۸).

آنچه روشن است اینکه قرآن با وجود ساختار منحصر به فرد، در قالب متنی قاعده‌مند نازل شده که بسیاری از اسالیب آن در کاربرد واژگان و عبارات با نظریات جدید زبان‌شناسی قابل توضیح و تطبیق است.

برخی محققان با تکیه بر گرایش‌ها و نظریات مختلف در زبان‌شناسی شناختی به اصول معناشناختی سودمندی در قرآن دست یافته‌اند که برخی از مهمترین آنها عبارتند از: اصالت تعبیر قرآنی، اصل تعیین‌پذیری مفهوم سازی‌های قرآنی، اصل مقوله‌بندی، اصل شعاعیت معنا و اصل تلفیق مفهومی (بنگرید به همان، ۱۹). با استفاده از این اصول و مذاقه در آن می‌توان وجه

کاربرد واژه «حرث» در عبارت «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ» را نیز بررسی کرده و آن را تبیین ساخت که در ادامه بدان پرداخته می‌شود:

۵-۲ اصالت تعابیر قرآنی

هر تعبیر قرآنی بر پایه مفهوم‌سازی خاصی استوار شده است؛ بنابراین در معناشناسی آن باید مفهوم‌سازی نهفته در آن را بیابیم و هر تعبیری خودش اصالت دارد (همان، ۱۳۰). در مورد کاربردهای متفاوت یک واژه در سیاق‌ها و بافت‌های گوناگون هم همین سخن صدق می‌کند. یک واژه در سیاق معین، بُرشی خاص از معارف و اطلاعات گوینده را فراهم می‌آورد (همان، ۱۳۳). گرچه مبحث شمول معنایی در مورد ترجمه برخی واژگان در قرآن مطرح می‌شود (بنگرید به پاکتچی، ۱۳۹۲: ۱۷۴) اما به نظر می‌رسد غالباً با جستجوی دقیق در معنای هر واژه با توجه به بافت متن و سیاق آیه در بسیاری موارد می‌توان نزدیکترین معنا و ترجمه را برای هر واژه معین ساخت؛ زیرا علی‌رغم دعوای متعدد قدیم و جدید امروزه به سبب عواملی چند مانند تفاوت‌های دلالتی بین دو یا چند لفظ، عموم و خصوص بودن، اختلاف عبارات، اسباب بلاغی (از قبیل مجاز، استعاره، تشبیه و کنایه) و اختلاف لهجه‌ها، حکم به ترادف در قرآن کریم نفی می‌شود؛ زیرا در زبان قرآن کریم که در فصاحت مفردات آن هیچ تفاوتی نیست هر کلمه‌ای در آن به حکمت الهی برگزیده شده است، هیچ کلمه دیگری نمی‌تواند جایگزین آن شود و آن خود اعجازی از نوع جدید است که ادراک آن در عصر وحی از عرب پنهان مانده است (بنگرید به: منجد، ۱۳۹۲: ۳۵۴ و ۳۵۵).

بر اساس نظریه فوق واژه «حرث» نیز در آیه مورد نظر دارای اصالت تعبیر است و نمی‌توان واژه دیگری که مراد متکلم (خداوند) را دقیقاً به همان شکل بیان می‌کند جایگزین آن ساخت؛ زیرا متکلم، حکیم مطلق است و بدون شک مرادش از بکارگیری این تعبیر و تشبیه، تبیین نکاتی برای تقریب به ذهن مخاطب است.

فیلمور در زبان‌شناسی شناختی مدلی با عنوان «قالب» مطرح می‌کند که در معناشناسی نقش به‌سزایی دارد. منظور از قالب در این مدل اطلاعات جانبی و فرعی یک واژه است که در فرهنگ لغت برای توصیف آن ذکر نشده؛ اما برای درک مفهوم روشن‌تر و دقیق‌تری از آن واژه به قالب نیازمندیم (بنگرید به: lee. 2001: 8). او درباره مرادش از قالب می‌گوید:

تحلیل کاربرد ادبی و معناشناسی شناختی واژه ... (سیده جمیله هاشم‌نیا و دیگران) ۱۵۵

دستگاهی از مفاهیم مرتبط است به نحوی که برای فهم یکی از آنها باید کل ساختاری را که با آن تناسب دارد بفهمیم؛ و هنگامی که یکی از اشیاء این ساختار به متن یا گفت‌وگویی داخل شود همهٔ دیگر اشیاء هم به‌طور خودکار حاضر می‌شوند (Fillmore, 1981: 373).

فیلمور از یک استعاره برای ایضاح نحوهٔ استفاده از قالب کمک می‌گیرد. یک گوینده، واژه‌ها و ترکیب‌هایی را در متن به عنوان ابزارهایی برای فعالیتی خاص، یعنی ایجاد فهمی خاص، تولید می‌کند. وظیفهٔ شنونده هم این است که فعالیتی را که آن ابزارها به خاطر آنها به‌وجود آمده‌اند بفهمد (قائم‌نیا، ۱۳۹۰: ۶۷-۶۸). از آنجا که استعاره نیز تشبیهی است که در آن مشبه و ادات تشبیه حذف شده بنابراین تشبیه نساء به حرث در آیهٔ مورد نظر را می‌توان این‌گونه توضیح داد: حرث در حکم «قالبی» است که متکلم (خداوند حکیم) آن را به منظور ایضاح ویژگی‌های خاصی در زنان بیان نموده تا به شکلی سهل‌الوصول برای مخاطب، به ویژه مخاطب عصر نزول که مقولهٔ زراعت و متعلقات آن کاملاً برایش واضح و البته ارزشمند بوده است، ادراک گردد.

هم‌چنین می‌توان بر اساس نظریه لیکاف که استعاره را حاصل شباهت هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی میان دو حوزهٔ مبدأ و هدف معرفی می‌کند، (بنگرید به قائم‌نیا، ۱۳۹۰: ۶۹-۷۰) در تشبیه نساء به حرث نیز این شباهت‌ها را به شکل زیر بررسی کرد:

شباهت‌های هستی‌شناختی (زنان شما، کشت‌زار شمایند)

مبدأ:	هدف:
کشت‌زار	رحم زنان
زمین	بدن زن
تکثیر گیاه	تولید مثل
بذر	نطفه
محصول	فرزند
رشد نباتی	رشد جسمانی

شباهت‌های معرفت‌شناختی

۱. کشت‌زار بستری برای زراعت است.
۲. زمین ظرفیتی برای کشت و تکثیر نباتات دارد.
۱. رحم زنان بستری برای لقاح است.
۲. بدن زن ظرفیتی برای لقاح و تولید نسل انسان دارد.

۳. زمین زراعی بستر مناسبی برای رشد و نمو گیاه است.
۳. رحم زن بستر مناسبی برای رشد جنین است.
۴. با رعایت روش صحیح زراعت و نگهداری مناسب از گیاه می‌توان به محصولی با کیفیت بالا دست یافت.
۴. با رعایت تمهیدات قبلی و روابط صحیح زناشویی و ملاحظات دوران بارداری می‌توان نطفه جنین و فرزند سالم و شایسته‌ای داشت.
۵. برای داشتن محصولی خوب و مطلوب باید به زمین زراعی آن توجه و رسیدگی کافی داشت.
۵. برای داشتن فرزندی نیکو باید به همسر خود توجه و رسیدگی لازم و کافی (جسمی و روحی) داشت.
۶. برای دستیابی به یک محصول سالم باید تمهیدات لازم برای جلوگیری از حمله آفات به زمین زراعی و محصول آن را اندیشید.
۶. برای داشتن فرزندی سالم باید فضای امن جسمی و روحی برای مادر و فرزند فراهم کرد.
۷. زمین اسباب رشد و نمو و حیات گیاه است.
۷. زن اسباب رشد و حیات نسل بشر است.

در اینجا مشبه و مشبه‌به دو قلمرو هستند که شباهت‌های معرفت‌شناختی میان آنها وجود دارد. با توجه به اینکه مشبه‌به غالباً در صفاتی شهرت دارد که بیانگر چشم‌انداز و مقصود متکلم از آن تشبیه است، با برشماری آن صفات و ویژگی‌ها می‌توان به ویژگی‌های مورد نظر متکلم در مشبه با سهولت بیشتری دست یافت.

۵-۳ اصل تعیین‌پذیری مفهوم‌سازی‌های قرآنی

بی‌تردید تعیین‌ناپذیری به تعطیل فهم قرآن می‌انجامد و دست کم یکی از موارد تأمل در قرآن و فهم آن، تأمل در معانی تعبیرهای آن است و اگر مؤلفه‌هایی که ساختار یک تعبیر قرآنی را تشکیل می‌دهند، تعیین‌ناپذیر باشند، ما راهی به فهم و تأمل در معانی آن نداریم (همان، ۲۷۱). از سوی دیگر بافت، سیاق و فضای آیات همچون هر متن منسجم دیگری از مهمترین قرائن تبیین مفاهیم واژگان و عبارات قرآن است. این ادعا که براساس پیش‌فرض توقیفی بودن ترتیب آیات شکل گرفته، غالباً مورد استفاده مفسران در تفسیر این مصحف شریف بوده است. «ترتیب، نظم و عدد آیات در هر سوره در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) و با دستور آن بزرگوار انجام شده و توقیفی است و باید آن را تعبداً پذیرفت و به همان ترتیب در هر سوره تلاوت کرد» (معرفت، ۱۳۹۲: ۱۰۷). بر مبنای اصل «تعیین‌پذیری» هر تعبیر قرآنی بر پایه مفهوم‌سازی ویژه‌ای استوار شده است و آن مفهوم‌سازی با سیاق آیه ارتباط دارد؛ از این رو با تحلیل سیاق (آیات قبل) می‌توانیم جزئیات و مؤلفه‌های آن مفهوم‌سازی را به‌دست آوریم. ارتباط پیچیده فضاهای قرآنی، انعطاف‌پذیری خاصی را در دلالت واژه‌ها به‌بار می‌آورد. از این رو برای یک واژه با توجه به سیاق‌های گوناگون، مدلول‌های متفاوت شکل می‌گیرد یا برای یک آیه، معانی مختلف پیدا می‌شود (بنگرید به: قائمی‌نیا، ۱۳۹۰: ۲۷۱-۲۷۲). در سیاق

آیه ۲۲۳ سوره بقره (نسائکم حرث لکم...) توصیه به مردان در رعایت حال زنانشان مشهود است. خداوند در آیه قبل خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید:

و از تو درباره عادت زنانه می‌پرسند، بگو: آن نوعی آزار و ناراحتی است. پس از (آمیزش با) زنان در زمان عادت کناره‌گیری نمایید و تا پاک نشوند به آنها نزدیک نشوید و چون (از عادت) پاک شدند (یا غسل کردند) از همان جا که خدا دستور داده با آنان آمیزش نمایید، همانا خداوند کسانی را که زود و زیاد توبه می‌کنند و کسانی را که کوشا در پاکی‌اند دوست دارد.

بر این اساس تشبیه زنان به کشت‌زار علاوه بر لحاظ ابعاد شناختی مذکور در این تشبیه، به قرینه سیاق حاکی از سفارش الهی به مردان در پاسداری از جسم و روح زنان برای حفظ عافیت ایشان نیز می‌باشد.

۵-۴ اصل مقوله‌بندی

نظریه کلاسیک یا ارسطویی در مقوله‌بندی مبین آن است که مقوله‌بندی مفاهیم در ذهن براساس ویژگی‌های لازم و کافی آنها انجام می‌شود (Evans, Green. 2006: 251). انسانها بر اساس وجوه تشابه و تفاوتی که در اشیاء پیرامون خود می‌یابند آنها را ذیل مقولاتی دسته‌بندی می‌کنند. دو اصل اساسی، نحوه پیدایش مقولات را در ذهن بشر هدایت می‌کنند که عبارتند از: اصل صرفه‌جویی شناختی (principle of cognitive economy) و اصل ساختار مُدرک جهان (principle of perceived world structure). بر طبق اصل نخست، موجودات زنده تلاش می‌کنند تا با کمترین کار شناختی بیشترین اطلاعات را درباره محیط پیرامون خود به دست آورند. این اصل مستلزم آن است که ذهن آدمیان، محرک‌های مشابه را به صورت مقولات گوناگون دسته‌بندی کند (بنگرید به Evans, Melanie: 2004, 255). اصل دوم هم بر این حقیقت دلالت دارد که آدمیان در شکل دادن به مقولات به ساختارهای هم‌بسته جهان توجه می‌کنند. از دیدگاه دانشمندان علوم شناختی مقولات در سه سطح متفاوت پایه، فرودست و فرادست طبقه‌بندی می‌شوند که هر یک ویژگی‌های خاصی دارند. ویژگی‌های اصلی مقولات سطح پایه این است که تصویر دیداری واضحی از آنها داریم و این سطح بالاترین حدی است که می‌توانیم در آن با یک صورت ذهنی کلی مقوله را به صورت کامل معرفی کنیم و نیز نسبت به این مقولات واکنش رفتاری مناسبی در کار است. سطوح فرادست عام‌تر و سطوح فرودست

خاص تر هستند (مثلاً صندلی مقوله سطح پایه، مبلمان مقوله فرادست و صندلی کودک مقوله فرودست به شمار می آیند). هر متنی در واقع دستگاه خاصی از مفاهیم را به کار می گیرد. ارتباط زبانی هم مستلزم ورود به سلسله‌ای از مقولات است. قرآن، متنی زبانی است که خداوند سلسله‌ای از مقولات و مفاهیم را در این متن برای انتقال مقصود خود به کار گرفته است و بی تردید مقوله‌بندی ویژه‌ای از جهان و آدمیان در بر دارد. درجه و میزان حرکت از سطوح پایه به سمت بالا (مقولات فرادست) یا پایین (مقولات فرودست) بر اساس سیاق و هدف آیه تعیین می شود. به کار بردن یک مقوله در موردی خاص می تواند نتایج معنایی بسیاری را به دنبال داشته باشد (بنگرید به: قائمی نیا، ۱۳۹۰: ۲۷۵-۳۰۵).

لذا با قدری تأمل درمی یابیم که بر اساس اصل مذکور (اصل مقوله‌بندی) و نمود مشهود آن در قرآن به عنوان یک متن زبانی برای انتقال مفاهیم به بشر، چنین مطلبی قابل استنباط است که با تشبیه نساء به حرث در آیه مورد بحث، اصل صرفه‌جویی شناختی و ساختار مدرک جهان برای انتقال مراد متکلم به مخاطب به نحو مطلوبی صورت گرفته است. بدین ترتیب که خداوند با به کارگیری کوتاه‌ترین واژگان (حرث) بیشترین اطلاعات را متناسب با هدفش به مخاطب منتقل می کند. همچنین از آن جهت که مخاطب هر عصری با توجه به نیاز اولیه و حیاتی خود به کشاورزی و زراعت دارد شناخت نسبتاً جامع و مُدرکی از حرث خواهد داشت و لذا انتقال مراد متکلم با تقریب ذهنی بیشتری حاصل می شود. به علاوه حرث یک مقوله در سطح پایه تلقی می شود که سطح فرادست آن مطلق زمین و سطح فرودست آن را می توان زمین کشت صیفی جات در نظر گرفت. از این رو حرث که بیانگر یک کشت‌زار و زمین زراعی عام است صورت واضحی در اذهان عمومی داشته و در بالاترین حدی است که می توان با یک تصویر ذهنی کلی، مقوله را به واسطه آن به صورت کامل معرفی کرد و واکنش رفتاری مناسبی را نیز نسبت به آن دریافت کرد.

۵-۵ اصل شعاعیت معنا

آنچه با عنوان معنای مرکزی و هسته معنایی در بخش تحلیل معنای واژگانی «حرث» و کاربرد آن در آیات ذکر گردید، عمدتاً با مقصود و مفهوم مورد نظر در اصل شعاعیت معنایی همپوشانی داشته و در حقیقت هدف واحدی را دنبال می کند و سرانجام نتیجه مشترکی نیز از آنها حاصل می شود. اما در معناشناسی شناختی اصل شعاعیت معنا با مبانی کامل‌تری از جانب نظریه پردازان آن ارائه می گردد.

یک واژه نمایانگر مقوله‌ای است شامل معانی جداگانه اما مرتبط با هم. لیکاف ادعا کرد که واژه‌ها مقوله‌هایی را به صورت شعاعی تشکیل می‌دهند. منظور از مقولات شعاعی این است که معانی جداگانه در پیرامون یک معنای مرکزی یا پیش‌نمونه تشکیل می‌شوند (نیلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۶). ادعای اصلی شعاعیت معنا این است که معنای یک واژه چیزی ثابت و انعطاف‌ناپذیر نیست که هیچگونه تغییر و تحولی در آن راه نداشته باشد و این با سیاق‌مندی آن تفاوت دارد. اگر برای واژه‌ها معنای مرکزی در نظر گرفته شود آن معنا در بافت‌های گوناگون توسعه یافته و در هر سیاقی جرح و تعدیل خاصی پیدا می‌کند؛ بنابراین معنای مرکزی تعیین دارد ولی انعطاف‌پذیر است و همین امر موجب می‌شود که در بافت‌های مختلف تغییراتی در آن به وجود بیاید (بنگرید به: قائمی‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۱۴ و ۳۱۵). بر اساس نظریه ایوانز (Vyvyan Evans) و تیلر (Andrea Tyler) که رویکردی از شعاعیت معنا است اصولی مطرح می‌شود که تحلیل‌های شبکه معنایی را عینی و قابل تأیید می‌سازند. یکی از جذاب‌ترین بخش‌های این نظریه به تعیین ملاک‌هایی برای تشکیل معنای مرکزی در موارد چندمعنایی مربوط می‌شود که شواهد آن عبارتند از:

۱. نخستین معنایی که مورد تصدیق قرار گرفته است؛

۲. تفوق در شبکه معنایی؛

۳. روابط با معانی دیگر؛

۴. سهولت پیش‌بینی توسعه‌های معنایی (بنگرید به: همان، ۳۲۹-۳۲۶).

شواهد فوق که بر اساس رویکرد شعاعیت معنا بیان شده در مورد معانی متعدد مذکور در واژه حرث، که در بخش تحلیل واژگانی ذکر گردید، قابل بررسی است. همانگونه که در آن بخش مطرح شد معانی مختلفی از قبیل کسب و جمع مال، برانگیختن جنگ یا آتش، زیاد تلاوت کردن قرآن، زیاد سفر کردن با شتر و لاغر کردن آن، آهنی همچون بیل برای حرکت دادن آتش، پاشیدن بذر بر روی زمین و آماده کردن آن برای کشت در معنای واژه حرث و مشتقات آن در کتب لغت ذکر شده است. کتاب‌العین، حرث را به معنای پاشیدن دانه بر زمین و احتراث را از زرع (کشت) و از کسب مال دانسته است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳/ ۲۰۵).

از این رو، بر اساس ملاک اول چنین به‌دست می‌آید که نخستین معنایی که مورد تصدیق قرار گرفته، کشت کردن و به‌دست آوردن مال است که هدف رشد و ازدیاد در آن دنبال می‌شود. روشن است با توجه به معانی متعدد مذکور معنای ازدیاد و نمو در شبکه معنایی حرث تفوق و

برتری دارد. همچنین رشد و نمو و ازدیاد با تمامی معانی حرث که برای آن ذکر شده ارتباطی آشکار دارد. و بالاخره بر طبق نظریه ایوانز و تیلر معنای مرکزی ازدیاد و نمو برای واژه حرث در موقعیت‌های مختلف دیگر قابل توسعه و تکرار است. بنابراین با تطبیق گزاره‌های فوق بر آیه مذکور بر اساس اصل شعاعیت معنا در معناشناسی شناختی قرآن نیز می‌توان تشبیه نساء به حرث برای انتقال مقصود متکلم (خداوند) مبنی بر نقش حیاتی زن در ادامه حیات و نسل بشر را ممدوح دانست.

۵-۶ اصل تلفیق مفهومی

طبق گفته فوکونیه (Gilles Fauconnier) و ترنر (Mark Turner) (۱۹۹۸) تلفیق مفهومی در بسیاری از فعالیت‌های شناختی حضور دارد. آنها مدعی‌اند که تلفیق، فرآیندی پویا و فعال است و در حین اندیشیدن، حرف زدن و گوش دادن وارد عمل می‌شود (برکت، اردبیلی، ۱۳۹۱: ۵۵-۵۶). هم‌چنین فوکونیه فضاهای ذهنی (Mental spaces) را بدین شکل تعریف می‌کند: «فضاهای ذهنی ساختارهایی جزئی‌اند که هنگام صحبت کردن و اندیشیدن تکثیر می‌شوند و تفکیک ساختارهای معرفتی و گفتمان‌ها را میسر می‌سازند» (Fauconnier, 1997: 11). نظریه «فضاهای ذهنی» را نخستین بار فوکونیه در سال ۱۹۸۵ برای حل پاره‌ای از مشکلات زبان‌شناختی ارائه داد و اخیراً به همراه ترنر نظریه‌ای مهم و جامع با عنوان «نظریه تلفیق مفهومی (conceptual blending Theory)» مطرح کردند و در مقاله‌ای با عنوان «فضاهای ذهنی؛ شبکه مفهومی تلفیقی» در سال ۱۹۹۸ به تحلیل ساختار این شبکه‌ها و بررسی قواعد حاکم بر آنها پرداختند. فوکونیه دریافت که بسیاری از فعالیت‌های شناختی که در زبان صورت می‌گیرد، بر مقایسه چیزی با چیزی دیگر در فضای ذهنی مبتنی است. به نظر او ساختن معنای یک جمله متضمن دو کار است: یک، ساختن فضاهای ذهنی؛ دو، برقراری نگاشت‌هایی (Mappings) میان آن فضاها که این نگاشت‌ها با توجه به سیاق تعیین می‌شوند. از طرفی بررسی تلفیق مفهومی نتایج بسیار مهمی در زبان‌شناسی به دنبال داشته که به برخی از آنها اشاره می‌شود: یک، تلفیق مفهومی نشان می‌دهد که معنای یک ساختار چیزی بیش از مجموع معانی بخش‌هاست؛ دو، مکانیسم انتقال از یک قالب به قالب دیگر را روشن می‌سازد؛ سه، تأثیر فضاهای گوناگون را در شکل‌گیری استعاره و مجاز نشان می‌دهد. یکی از مباحث مهم که در تحلیل آیات مورد توجه مفسران قرار گرفته، بررسی تشبیهات گوناگونی است که در آیات به چشم می‌خورد. بی‌تردید نظریه تلفیق می‌تواند دریچه جدیدی برای فهم کارکرد شناختی آنها به روی مفسر بگشاید.

تحلیل کاربرد ادبی و معناشناسی شناختی واژه ... (سیده جمیله هاشم‌نیا و دیگران) ۱۶۱

تشبیه در واقع گونه‌ای تلفیق را دربردارد (بنگرید به: قائمی‌نیا، ۱۳۹۰). فخر رازی تشبیه قرآنی را بر سه قسم دانسته است: یک، تشبیه محسوس به محسوس؛ دو، تشبیه معقول به محسوس؛ سه، تشبیه محسوس به خیالی (فخر رازی، ۱۳۱۷ق: ۵۸). تشبیه محسوس به محسوس در واقع تلفیق دو حوزه از محسوسات برای آشکارسازی معانی و مفاهیم جدیدی است که شناخت و درک آن بدون چنین تلفیقی میسر نیست. تشبیه نساء به حرث در آیه ۲۲۳ سوره بقره نیز از این قبیل است. با بکارگیری این تشبیه، فضای ذهنی خاصی برای مخاطب ترسیم می‌شود. این ترسیم با برقراری نگاهت‌هایی میان فضای مشبه و مشبه‌به که می‌تواند از جنس وجه شبه باشد، به شناخت عمیق‌تری از مشبه از حیث مقصود متکلم منتهی می‌شود. این وجه شبه‌ها که با ملاحظه شباهت‌های هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی میان مشبه (نساء) و مشبه‌به (حرث) مشخص می‌شوند در واقع همان داده‌های اولیه برای شکل‌گیری نگاهت‌های مطلوب برای انتقال مقصود متکلم است.

۶. ارزیابی و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تحقیق در پاسخ به شبهه شیعی انگاری زنان در انگاره مردان در قرآن، چنان است که می‌آید:

یک. به شهادت آیات متعدد قرآنی و روایات بسیار از معصومان علیهم السلام، زن و مرد از حیث جایگاه انسانی تفاوتی نداشته و ملاک برتری‌شان تنها تقوای الهی است. «قرآن کریم هنگام طرح مسئله زن و مرد می‌گوید: این دو را از چهره ذکورت و انوخت شناسید؛ بلکه از چهره انسانیت شناسید و حقیقت انسان را روح او تشکیل می‌دهد نه بدن او. انسانیت انسان را جان او تأمین می‌کند نه جسم او و نه مجموع جسم و جان» (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۷۰). در نظام معرفتی قرآن کریم، زن و مرد در فطرت خداشناسی، کسب معرفت، رسیدن به قرب الهی و دیگر استعدادها، همسانند و قابلیت این را دارند که به کمال و درجه نهایی انسانیت دست یابند. این حقیقت در چندین آیه از قرآن آشکارا بیان شده است: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَ... أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب / ۳۵). «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوَةً طَيِّبَةً وَ...» (نحل / ۹۷). قرآن کریم در ترسیم جایگاه و هویت ارزشمند زن، پا را فراتر نهاده و یک بانوی مؤمن را الگوی تمام انسان‌ها اعم از مرد و زن معرفی نموده است: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ائِن لِّي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ

وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (تحریم: ۱۱) در این مناجات عظمت روحی، مقام قرب و معنویت آسیه به خوبی روشن می‌شود؛ زیرا خانه بهشتی را نیز، برای نزد خدا بودن می‌طلبد (حسینی؛ هاشم‌نیا، ۱۳۹۸: ۱۵۲-۱۵۳). خداوند با بیان این حقایق چنان منزلت و جایگاه زن را در اذهان بشر تعالی می‌بخشد که دیگر نه می‌توان کمترین شبهه‌ای مبنی بر شی‌انگاری زن از دیدگاه قرآن و اسلام را مطرح ساخت و نه مردان را یارای نگاه سودجویانه و ابزارگونه از این وجود متعالی بالقوه باشد. لذا شایسته است جایگاه این تشبیه در قرآن با ادله علمی و منطقی تبیین گردد.

دو. با انجام بررسی‌های ادبی در علم بلاغت و لغت‌شناسی به خوبی روشن می‌گردد که به‌کارگیری واژه حرث به عنوان یک شبهه به برای نساء دارای ابعاد حمایتی مختلفی نسبت زن است که موجب می‌گردد مفاهیم بنیادین و مورد نظر خداوند بدین شیوه به نحو احسن در ذهن مخاطب ترسیم و به او منتقل گردد. همچنین با استفاده از مبانی معناشناسی شناختی عام و خاص (قرآنی) نیز می‌توان به نحو مستدل و مطلوبی به این مهم دست یافت. از جمله اینکه برمبنای اصالت تعبیر قرآنی، واژه‌ای که بشود آن را با واژه حرث در آیه مذکور جایگزین ساخت تا بتواند به همان صورت مراد متکلم را به مخاطب منتقل کند تعریف نمی‌شود. بیان شباهت‌های هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی میان دو قلمرو شبهه و شبهه به شکل تطبیقی، موجب می‌گردد که ویژگی‌های خاصی از زن و نیازهای مرتبط با آن با وضوح بیشتری در ذهن مخاطب ترسیم شود. بنابر اصل تعیین‌پذیری مفهوم‌سازی‌های قرآنی که بر اساس سیاق آیات تعریف می‌شود، عبارت «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ» با توجه به آیات قبل آن حاکی از لزوم توجه مرد به همسر خویش و رعایت حال او به نحو معروف و نیکو است. بر اساس اصل شعاعیت معنا در معناشناسی شناختی، آنچه به عنوان معنای مرکزی از معانی متعدد مذکور برای واژه حرث منتج است، رشد و نمو و ازدیاد می‌باشد که تشبیه زن به آن خود گویای نقش حیاتی او در تداوم نسل بشر است. نظریه تلفیق مفهومی نیز به طرز مطلوبی چنین تشبیهی را در قرآن تبیین می‌سازد؛ بدین ترتیب که به سبب ایجاد یک فضای ذهنی گویا و ترسیم نگاشت‌هایی در ذهن که می‌تواند از جنس مولد و سبب رشد و لذا نیازمند حمایت باشد، تشبیهی به غایت خردمندانه است. بنابراین با به‌کارگیری ابزار ادبی متعدد قدمایی و حتی نوین، نه تنها می‌توان کاربرد این تشبیه را در قرآن به شکل نیکویی توصیف کرد و شبهات ناپسند آن را علیه شأن و منزلت زن زدود، بلکه در حقیقت باید خالق آن را ستود که چنین هنرمندانه، لطیف و حکیمانه چنین تشبیهی را وضع نمود.

تحلیل کاربرد ادبی و معناشناسی شناختی واژه ... (سیده جمیله هاشم‌نیا و دیگران) ۱۶۳

پی‌نوشت‌ها

۱. این کتاب چند بار با عناوین مختلف به چاپ رسیده است از جمله: الوجوه و النظائر لالفاظ کتاب الله العزیز با تحقیق و مقدمه محمدحسن ابوالعزم زفیتی در دو جلد در قاهره (۱۴۱۲-۱۴۲۱)؛ الوجوه و النظائر فی القرآن در ۱۳۶۶ش در تبریز به تصحیح اکبر بهروز؛ و قاموس القرآن أو اصلاح الوجوه و النظائر فی القرآن الکریم با تکمیل و اصلاح عبدالعزیز سیدالاهل در ۱۹۷۰ و ۱۹۷۷ در بیروت. چاپ اخیر کتاب را کریم عزیزی‌نقش با نام قاموس قرآن در وجوه و لغات مشترک ترجمه کرده که در ۱۳۶۱ش در تهران چاپ شده است (فریده سعیدی، دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۹۳، ج ۱۷)

2. "*Ask the Cognitive Scientist*". American Federation of Teachers. 8 August 2014.

کتاب‌نامه

- قرآن کریم (ترجمه مشکینی)
- ابن جنی، ابوالفتح عثمان (۱۴۲۹ق)، *الخصائص*، بیروت: دارالکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا)، *التحریر و التنویر*، بیروت: موسسه التاریخ.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغه*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- برکت، بهزاد؛ اردبیلی، لیلا، «نقد و بررسی نظریه تلفیق مفهومی در تبیین فرآیند ساخت معنا در ذهن»، *نشریه ذهن*، شماره ۴۹، ۱۳۹۱ش.
- بلاغی نجفی، محمد جواد (۱۴۲۰ق)، *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، قم: بنیاد بعثت.
- بووار، سیمین (۱۳۷۹)، *جنس دوم*، ترجمه: قاسم صنعوی، تهران: انتشارات توس.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، *انوارالتنزیل و اسرار التأویل*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان (بی تا)، *الوجوه و النظائر فی القرآن العظیم*، تحقیق: حاتم صالح الضامن، بغداد: بی نا.
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۲)، *ترجمه‌شناسی قرآن کریم*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸ق)، *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، *زن در آئینه جلال و جمال*، قم: مرکز نشر اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶)، *الصحاح*، بیروت، دارالعلم للملایین.
- حسینی دولت آباد، بی بی حکیمه؛ هاشم نیا، سیده جمیله (۱۳۹۸)، «تحلیل انتقادی خودشی انگاری زنان و راهکارهای قرآنی مواجهه با آن»، *مجله اسلام و مطالعات اجتماعی*، شماره ۲۶.
- خرقانی، حسن (۱۴۰۱)، *علوم بلاغی و زیبایی شناختی قرآن* ۱، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم.

۱۶۴ مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال ۷، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۲

دامغانی، ابوعبدالله حسین بن محمد (بی تا)، الوجوه و النظائر لألفاظ كتاب الله العزيز، بیروت: دارالکتب العلمیه.

درویش، محیی الدین (۱۴۱۵ق)، اعراب القرآن و بیانه، سوریه: دارالارشاد.

الرازی، فخرالدین ابوعبدالله محمد بن عمر (بی تا)، نهاییه الایجاز فی درایه الاعجاز، القاهره: مطبعه الآداب.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات فی الفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم.

زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی.

سیوطی، جلال الدین (۱۳۹۲)، الاتقان در علوم قرآن، ترجمه: سید محمود طیب حسینی، قم: انتشارات دانشکده اصول الدین.

شیرازی، احمد امین (۱۳۹۴)، البلیغ فی المعانی و البیان و البدیع، قم: مؤسسه بوستان کتاب.

صفوی، کورش (۱۳۹۵)، درآمدی بر معنی شناسی، تهران: انتشارات سوره مهر (وابسته به حوزه هنری).

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه.

فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، العین، قم: نشر هجرت.

فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ق)، من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک للتباعه و النشر.

قائمی نیا، علیرضا (۱۳۹۰)، معناشناسی شناختی قرآن، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

لاشین، عبدالفتاح (۱۴۲۰ق)، البیان فی ضوء اسالیب القرآن، قاهره: دارالفکر العربی.

مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت-قاهره-لندن: دارالکتب العلمیه.

مظهری، محمد ثناءالله (۱۴۱۲ق)، التفسیر المظهری، پاکستان، مکتبه رشدیہ.

معرفت، محمدهادی (۱۳۹۲)، علوم قرآنی، قم: مؤسسه فرهنگی تمهید.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

منجد، محمد نورالدین (۱۳۹۲)، ترادف در قرآن هم معنایی واژگان، ترجمه: محمدرضا عطایی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.

مرتضی زبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالفکر.

نیلی پور، مریم؛ قائمی نیا، علیرضا؛ نصرتی، شعبان (۱۳۹۵)، «کاربست نظریه پیش نمونه و شبکه شعاعی در معناشناسی شناختی تقوا در قرآن»، نشریه ذهن، شماره ۶۶.

هاشمی، احمد (۱۳۹۷)، جواهرالبلاغه، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه های علمیه.

تحليل کاربرد ادبی و معناشناسی شناختی واژه ... (سیده جمیله هاشم‌نیا و دیگران) ۱۶۵

Calogero, Rachel M. (2011), *Self-Objectification*

in Women, Washington, DC: American Psychological Association •

Evans, Vyvan & Green, Melanie (2006), *cognitive linguistics: an introduction*; New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates, Publishers.

Evans, Vyvyan (2004), *The structure of time: Language, Meaning and Temporal cognition*, Amsterdam: John Benjamins.

Fauconnier, Gilles (1997), *Mappings in Thought and language*, Cambridge: Cambridge University Press.

Fillmore, Charles J (1981), *"Frame semantics" in cognitive linguistics*. Seoul, Korea: Hanshin publishing company.

Lee, David (2001), *Cognitive linguistics*. New York: Oxford University press.